

بررسی فرایند بلوغ دختران شهر اراک از دیدگاه انسان‌شناسی

رحیم فرخ‌نیا*
اعظم کزازی☆

چکیده

این پژوهش با رویکرد انسان‌شناسی به بررسی فرایند بلوغ در میان دو اجتماع شهر اراک به منظور کشف تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بر فرایند بلوغ پرداخته است. فرایند بلوغ توسط پژوهشگران رشته‌هایی چون روان‌شناسی، روان‌پزشکی، زیست‌شناسی و مردم‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. البته رویکرد مردم‌شناسی بلوغ، بیشتر متأثر از مکتب اصالت فرهنگ است که در آن احساسات همراه مرحله بلوغ مانند اضطراب، ترس و... و شیوه برخورد فرهنگ فرد با مسئله ارتباط پیدا می‌کند. اما، در مقابل این دیدگاه، نظریه «جبرگرایی زیستی»^۱ قرار دارد که منشأ احساسات همراه بلوغ را ناشی از فعل و انفعالات شیمیایی خاص این مرحله می‌داند.

تحقیق حاضر از تأثیر رویکرد جبرگرایی زیستی نیز غافل نبوده است. به طوری که، از یک سو، تأثیر جنبه‌های فرهنگی دو اجتماع در شهر اراک بر فرایند بلوغ سنجیده شده و، از سوی دیگر، تأثیر متغیرهای زیستی مانند گروه‌های خونی بر فرایند بلوغ آزموده شده‌اند.

نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که فرایند بلوغ هم متأثر از پدیده‌های فرهنگی و هم متأثر از عوامل زیستی است، اما نقش عوامل فرهنگی چشمگیرتر می‌باشد.

واژگان کلیدی: فرایند بلوغ، تفاوت فرهنگی، تفاوت زیستی، جبرگرایی زیستی.

* دانشجویار مردم‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

☆ دبیر دبیرستان‌های همدان.

۱. جبرگرایی زیستی: رفتارهایی را شامل می‌شود که ریشه در سرشت زیستی داشته باشند.

مقدمه

انسان‌ها در سرتاسر جهان دارای برخی ویژگی‌های مشترک زیستی هستند که مبنای همانندی برخی از رفتارهای آنان شده است.

«انسان‌ها، با وجود ویژگی‌های مشابه، تفاوت‌هایی در رفتارها، ارزش‌ها، باورها و دیگر ویژگی‌هایشان دارند. تا جایی که ویژگی‌های یکسان زیستی انسان‌ها نمودهایی متفاوت در جوامع گوناگون داشته است. در نظر مردم‌شناسان، این تفاوت‌ها و تشابهات دارای منشأ فرهنگی و متأثر از شرایط مادی و معنوی فرهنگ جامعه است. البته پدیده‌های زیستی نیز متأثر از فرهنگ هستند. به‌طور کلی، تعیین مرز مشخص میان رفتارهای زیستی و فرهنگی انسان مشکل است. یعنی به‌طور یقین نمی‌توان ادعا کرد که چه رفتارهایی اکتسابی و چه رفتارهایی غریزی هستند. به‌عنوان مثال، آیا بوسیدن، دیابت، بلوغ جنسی، هوش و موارد مشابه به وسیله وراثت ژنی به‌وجود می‌آیند یا به وسیله آموزش و تجربه؟ بیشتر تجربه‌های علمی جدید این‌گونه موارد و ویژگی‌های دیگر رفتار انسانی را ناشی از همکاری مشترک وراثت و محیط می‌دانند» (Beals & Hoijier, 1997: 115).

پدیده بلوغ جنسی نیز از این‌گونه موارد است. این پدیده اگرچه منشأ زیستی دارد و در بین تمام انسان‌ها مشترک است و مرحله‌ای از رشد جسمی در زیست‌شناسی محسوب می‌شود، اما می‌بینیم که نحوه گذار آن از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت دارد.

تعریف فرهنگی بلوغ

گذار از مرحله نوجوانی به بزرگسالی اساساً پدیده‌ای زیستی است. اما، از جهاتی، پدیده‌ای زیستی- فرهنگی نیز محسوب می‌شود، زیرا پایگاه اجتماعی فرد تغییر می‌کند و پایگاه اجتماعی نیز تعریف فرهنگی دارد. در نظر بیشتر مردم، جنبه فرهنگی بزرگسالی مهم‌تر از جنبه زیستی آن است، زیرا مردم انتظار رفتار موزون‌تری از فرد بزرگسال دارند تا فرد کم‌سال. همچنین صرفاً قد و قامت درشت‌تر و تظاهر علایم ثانویه جنسی شرط بزرگسالی نیستند، بلکه آنچه که بیشتر مورد توجه مردم قرار دارد، رفتار بزرگسالی است.

مشاهده می‌شود که مردم برخی از فرهنگ‌ها نوجوانی را بدون طرح و نقشه پشت سر می‌گذارند^۱. نکته قابل توجه دیگر این است که برخی از اجتماعات بلوغ را برای یک جنس (برای مثال، مذکرها) مهم تلقی می‌کنند. در برخی از فرهنگ‌ها به بلوغ جنس مؤنث و در پاره‌ای

۱. جهت مطالعه بیشتر رک. به مید، مارگارت، ۱۳۶۵. بلوغ در ساموا، پژوهشی در مردم‌شناسی، ترجمه مهین میلانی، تهران، ویس.

از فرهنگ‌ها نیز به بلوغ هر دو جنس توجه دارند، اما ظاهراً در بیشتر جوامع بلوغ پسران اهمیت بیشتری دارد. عامل قابل توجه دیگر مربوط است به مناسک بلوغ که ضرورتاً همزمان با بلوغ زیستی نیست. بلکه از نظر زیستی - فرهنگی مناسک بلوغ زمانی رخ می‌دهد که دوران کودکی به پایان رسیده باشد و مرحله بزرگسالی فرا رسیده باشد» (Hoebel & Frost, 1977: 160).

«مکتب فرهنگ و شخصیت در مردم‌شناسی معتقد است که چون ارزش‌ها و رفتارها از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است، بنابراین تجربه بلوغ نیز در فرهنگ‌های گوناگون باید متفاوت باشد» (بیتس و پلاک، ۱۳۷۵: ۷). با توجه به این دیدگاه، مطالعه پدیده‌های زیستی، نظیر بلوغ، بدون توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی ممکن نیست، لذا به تأثیر فرهنگ بر شخصیت افراد توجه می‌شود. پژوهش حاضر نیز از این رویه پیروی کرده است.

این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی با استفاده از فنون تحقیق مانند انسان‌سنجی، مشاهده، مصاحبه، تعیین گروه‌های خونی و تطبیق ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و زیستی انجام گرفته و سعی شده تا با استفاده از جداول آماری و یافته‌های دیگر تحقیق به بررسی تأثیر فرایند بلوغ بر پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی از یک سو و عوامل زیستی از سوی دیگر پرداخته شود.

از آن‌جا که برخی از مراحل چرخه زندگی بشر، همچون بلوغ، آستننی و مرگ، از اهمیت خاصی برخوردارند، فرد در آستانه زندگی جدید خود به دلیل آغاز تحولات و دگرگونی جسمانی، روانی و هویت اجتماعی و فرهنگی دچار بحران می‌شود. لذا این مراحل همیشه مورد توجه اجتماعات بشری بوده‌اند.

طرح مسئله

در این تحقیق سعی شده است تأثیر عوامل فرهنگی - اجتماعی و زیستی مؤثر بر بلوغ دختران در دو منطقه متفاوت از نظر فرهنگی در شهر اراک (منطقه فوتبال و منطقه عباس‌آباد) مورد بررسی قرار گیرد.

«منظور از بلوغ، بلوغ جنسی است که عبارت است از مرحله گذر از دوران کودکی و تبدیل شدن به یک فرد بالغ، که فرد قادر به تولید مثل باشد. شروع این فرایند با تغییراتی زیستی همراه است که شروع آن در دختران با برجسته شدن سینه‌ها^۱ و پایان آن شروع قاعدگی^۲ می‌باشد.

«بلوغ جنسی به‌عنوان یک رویداد زیستی، روانی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف از

تجربه‌های مختلف برخوردار بوده است. برای مثال، قبایل سرخ‌پوست آمریکا در دوره بلوغ برای مدتی دختر بالغ شده را به علت ناپاکی از سایر افراد اجتماع خود جدا می‌کنند» (کلاین برگ، ۱۳۶۸، ج ۲: ص ۴۲۰).

«نگرش‌های مثبت و منفی در خصوص بلوغ متأثر از باورهای فرهنگی جوامع مختلف است. زیرا برخی از قبایل ابتدایی، به روایت مارگارت مید، دوران قاعدگی را مطلوب دانسته و وقوع آن را به بهتر شدن محصولات غذایی مربوط دانسته‌اند و برخی دیگر آغاز قاعدگی دختر را منجر به بحران اقتصادی می‌دانند» (شرفی، ۱۳۷۶: ۸۶).

پشت سر گذاشتن مرحلهٔ بلوغ در برخی از اجتماعات سنتی تکالیف و نقش‌های سختی را برای فرد تازه بالغ به همراه دارد، اما در برخی دیگر آسان‌تر است. مارگارت مید در مطالعات خود دربارهٔ بومیان ساموا به مقایسهٔ پدیدهٔ بلوغ از منظر فرهنگ آمریکایی و فرهنگ ساموایی پرداخت و نشان داد که رویکرد این دو فرهنگ نسبت به پدیدهٔ بلوغ کاملاً متفاوت است. (مید، ۱۳۶۵).

روث بندیکت معتقد بود که تشریفات پیوستن به جامعه و آشنایی با فعالیت‌های جدید دیگر که بیانگر گذار از مرحلهٔ کودکی به بزرگسالی است، ضرورتاً با تغییرات جسمانی و فیزیکی بدن همراه نیست، ممکن است تشریفات مربوط به آن زودتر یا دیرتر انجام گیرد که آن‌ها را دلیل رسیدن به بلوغ تلقی می‌کنند. البته قابل به ذکر است که در حوزه تحقیق حاضر نیز دختران در سن ۹ سالگی به سن تکلیف می‌رسند که هنوز با بلوغ جنسی و جسمی فاصله دارند، منتهی طبق قانون اسلامی بالغ تلقی می‌شوند. لذا فشار درونی حاصل از آن معلول بی‌ثباتی حیاتی نیست، بلکه ناشی از لزوم انطباق با شرایطی است که آداب و رسوم و قرارداد ایجاب می‌کند. (کلاین برگ، ۱۳۶۸، ج ۲: ۴۱۹-۴۲۰).

در باورهای فولکلوریک مردم حوزهٔ این مطالعه، توجهی به مسئلهٔ بلوغ دختران نشده است. احتمالاً این شرایط محصول موقعیت تاریخی زن در جامعهٔ ایران می‌باشد.

ظاهراً در همهٔ فرهنگ‌های ابتدایی و باستانی تابوهایی به زنان نسبت داده شده است که بخشی از آن‌ها مربوط به تغییرات جسمانی آن‌هاست و بخشی نیز معلول عدم شناخت انسان ابتدایی از این وضعیت است که باعث ایجاد تابوها شده است. نتیجهٔ این طرز تلقی‌ها باعث شده تا اجتماعات ابتدایی به مسئلهٔ بلوغ دختران کمتر توجه داشته باشند تا به بلوغ پسران. (فرخ‌نیا، ۱۳۸۳: ۲۹).

پژوهشگران این مقاله سعی کرده‌اند تا در چارچوب فولکلور محلی عقاید و باورهای رایج و سنتی دربارهٔ دختران در شهر اراک را مورد بررسی قرار دهند، و در کنار این رویکرد به بررسی

نگرش خانواده‌ها نسبت به فرایند بلوغ، حساسیت‌ها و ممنوعیت‌های ویژه این دوران و همچنین تأثیر عوامل طبیعی محیطی مانند تغذیه، فعالیت‌های فیزیکی و گروه‌های خونی پیراژند. «تحقیقات نشان می‌دهد که زمان سن بلوغ پایین آمده است. به طوری که در آمریکا متوسط سن قاعدگی بین ۹-۱۲ سالگی است، گفته می‌شود که زمان بلوغ جنسی دختران حدود یک تا یک و نیم سال کمتر از زمان بلوغ مادران آن‌ها شده است» (عسگری خانقاه و کمالی، ۱۳۷۸: ۲۸۰).

پژوهش حاضر دو اجتماع ساکن در یک شهر را که به لحاظ فرهنگی تفاوت‌هایی دارند، مورد مقایسه و بررسی قرار داده و در صدد است تا تأثیر عوامل فرهنگی و زیستی بر سن بلوغ را در این دو اجتماع بسنجد.

هدف‌های پژوهش

هدف این پژوهش بررسی تأثیر عوامل فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و زیستی بر سن بلوغ دختران مدارس متعلق به دو اجتماع متفاوت در شهر اراک است، که در آن نقش عواملی چون تغذیه، گروه‌های خونی، نگرش والدین نسبت به فرایند بلوغ، میزان فعالیت‌های جسمانی دختران، درآمد خانواده و سطح سواد والدین آن‌ها و همچنین شرایط اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش بررسی و گردآوری داده‌ها

این مطالعه از نوع تحلیلی-توصیفی است که با استفاده از فنونی مانند مشاهده، مصاحبه، پرسش‌نامه، انسان‌سنجی، تعیین گروه‌های خونی افراد تحت مطالعه انجام شد و در نهایت تطبیق ویژگی‌های فرهنگی در دو منطقه متفاوت از نظر فرهنگی در شهر اراک (منطقه فوتبال و عباس‌آباد) صورت گرفت. افراد مورد مطالعه را دختران دانش‌آموز ۱۲ تا ۱۹ ساله تشکیل می‌دادند که به صورت اتفاقی از میان دانش‌آموزان دختر مقاطع تحصیلی راهنمایی (دو مدرسه) و متوسطه (دو مدرسه) انتخاب شدند. حجم نمونه مورد بررسی در هر دو منطقه ۱۷۵ نفر بود. یعنی از هر مدرسه ۴۳ تا ۴۴ نفر.

فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد هر یک از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، فعالیت‌های جسمی، گروه‌های خونی، نوع تغذیه، سن بلوغ مادر و اندازه خانوار بر فرایند بلوغ دختران مؤثرند.

متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از:

- منبع آگاهی نوجوان از پدیده بلوغ
- تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بر احساسات بلوغ
- رابطه سن بلوغ مادران با سن بلوغ دختران
- تأثیر اندازه خانوار بر سن بلوغ
- تأثیر نگرش‌های فرهنگی خانواده و نوجوانان نسبت به بلوغ
- تأثیر تغذیه بر سن بلوغ
- تأثیر فعالیت فیزیکی دختران بر سن بلوغ آن‌ها
- تأثیر شرایط اجتماعی خانواده بر سن بلوغ
- تأثیر گروه‌های خونی بر فرایند بلوغ.

پیشینه پژوهش

پسچیدگی عوامل مؤثر بر فرایند بلوغ سبب شده تا محققان آن را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کنند. زیست‌شناسان، روان‌پزشکان و برخی از روان‌شناسان معتقدند که حالات روحی و روانی و مشکلات عاطفی دوران بلوغ ناشی از فعل و انفعالات زیستی شخص در این دوران است. اما مردم‌شناسان مکتب اصالت فرهنگ و در رأس آن‌ها مارگارت مید معتقد است که این حالات و مشکلات متأثر از نوع فرهنگ فرد است که او را احاطه کرده است. دیدگاه اولی به جبر بیولوژیکی و اصلاح نژاد^۱ و دیدگاه دوم به جبر فرهنگی^۲ معروف شده است و نوعی بحث و جدل میان طرفداران این دو گروه وجود دارد. البته کفه ترازو به نفع دسته دوم (معتقدان به جبر فرهنگی) بوده است. اگرچه در یک فریمن مردم‌شناس نیوزیلندی پس از تحقیق خود در مورد جزیره ساموا در سال ۱۹۸۳ ادعا کرد که «تغییرپذیری‌ها می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، از جمله پدیده بلوغ. به تصور وی مارگارت مید این تغییرپذیری‌ها را در مطالعات خود نادیده گرفته است» (فرخ‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۵۸). اساساً مید معتقد است «آنچه را در غرب به عنوان طبیعت انسان می‌شناسند، عمدتاً مصنوع فرهنگی است. یعنی آنچه شخصیت فرد را می‌سازد فرهنگ است نه عوامل وراثتی و نژادی.» (همان: ۱۵۸). شایان ذکر است که نظریه اصالت فرهنگ براساس یافته‌های مارگارت مید در ساموا بنیان گذاشته شد. تعداد پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص بلوغ کم نیستند. اما از یک طرف پسچیدگی

1. Eugenic

2. Cultural Determinism

مسئله و از طرف دیگر توجه رشته‌های گوناگون به آن نتوانسته‌اند محصول این‌گونه فعالیت‌ها را یک کاسه کنند، زیرا برخی از این پژوهش‌ها صرفاً به رویکردهای اصالت فرهنگ و برخی به دیدگاه عوامل وراثتی آن توجه کرده‌اند. اینک به ذکر برخی از این پژوهش‌ها می‌پردازیم:

تألیف کتاب بلوغ در سال ۱۹۰۵ به وسیله استانیالی هال را می‌توان مهم‌ترین پژوهش تجربی در خصوص بلوغ دانست.

اولین پژوهش مردم‌شناسی در خصوص بلوغ تحقیق معروف خانم مارگارت مید به نام بلوغ در ساموا به سال ۱۹۳۸ است که به پیدایش نظریه اصالت فرهنگ در مردم‌شناسی انجامید. مید در این مطالعه حالات مختلف رفتارهای دختران جوان را در زمان بلوغ در ساموا با حالات مختلف رفتاری دختران آمریکایی مقایسه کرد و نتیجه‌ای که به دست آورد این بود که دوران بلوغ در آمریکا یک دوران سخت و توأم با مسایل عمیق عاطفی و هیجانات شدید نقش‌ها و مشکلات روحی و اجتماعی است.

مارگارت مید ادعا کرد که این حالات و هیجانات دوران بلوغ در بین نوجوانان ساموایی وجود ندارد. به نظر وی، این فرهنگ ساموایی است که این مرحله از رشد را تسهیل نموده، اما در عوض فرهنگ آمریکایی این دوران را برای نوجوانان سخت کرده است.

«یکی دیگر از پژوهش‌های انجام گرفته در سال ۱۹۸۶ به وسیله گارن، لاول، روزبرگ و دیگران بود که در میان دختران سفیدپوست آمریکایی صورت گرفت. نتیجه تحقیق نشان داد دخترانی که دیرتر بالغ می‌شوند یک سانتی‌متر قد بلندتر از دخترانی هستند که زودتر بالغ می‌شوند. در این پژوهش تفاوت قد میان دختران با بلوغ زودرس (۱۱ ساله) و بلوغ دیررس (۱۵ ساله) حدود ۱۲/۵ سانتی‌متر است که قابل توجه می‌باشد» (Manniche, ۱۹۸: ۴۳۴).

«در ایالت پنجاب هندوستان در فاصله سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۶ توسط دو دانشمند به نام سینگ^۱ و مالوترا^۲ در خصوص دختران پاتی‌لایی^۳ پژوهشی صورت گرفت. جامعه آماری این تحقیق را ۹۶۴ دختر نوجوان تشکیل می‌دادند. این پژوهش نشان داد که میانگین سن شروع بلوغ برای دختران طبقات مرفه در سال ۱۹۷۴ حدود ۱۲/۹ سال و برای طبقات غیرمرفه ۱۴/۴ سال بود. اما در سال ۱۹۸۶ میانگین سن شروع قاعدگی در دختران طبقه مرفه ۱۲/۵۴ سال و برای طبقات غیرمرفه ۱۳/۵۶ سال تعیین شد. البته این کاهش سن بلوغ در میان طبقه غیرمرفه ناشی از بهبود رفاه و آسایش اقتصادی و اجتماعی آن‌ها بود که در طول یک دهه حاصل شده بود» (به نقل از مهدوی‌فر، ۱۳۷۲: ۱۶).

1. Singh
3. Patilla

2. Malotra

«در پژوهش دیگری که در سال ۱۹۸۴ در هندوستان به وسیله ک. شرما (K. Sherma) و همکارانش درباره رابطه سن بلوغ با فیزیولوژی و تیپ بدنی فرد بالغ در شهرهای پنجاب، چندینگر^۱ و لودیانا^۲ صورت گرفت، ۱۴۷ نفر دختر بالغ و سالم و مجرد ۱۲ تا ۱۸ ساله جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دادند و به لحاظ اقتصادی و اجتماعی جز اقشار متوسط محسوب می‌شدند. نتیجه تحقیق این بود که دخترانی که دارای قاعدگی دیررس بودند از دخترانی که بلوغ زودرس داشتند قد بلندتری نسبت به وزنشان داشتند. و دخترانی که بلوغ زودرس داشتند دارای قد کوتاه‌تر بودند» (۴۳۳: ۱۹۸۳، همان).

«یکی دیگر از پژوهش‌های انجام گرفته در این خصوص در سال ۱۹۹۷ در تایلند انجام شده که به وسیله سومیت و همکارانش درباره الگوی رشد و سن بلوغ دختران چاق صورت گرفت. در این مطالعه به بررسی جسمی و پدیده بلوغ در کودکان چاق در مقطع سنی ۸ تا ۱۶ سال پرداخته شد. این پژوهش درباره ۲۶۲۵ دختر بود که ۸۴٪ از این افراد با قد و وزن نرمال و ۱۵/۹٪ افراد چاق یعنی کسانی بودند که وزنشان بیش از ۱۲۰ کیلوگرم بود. نتیجه تحقیق نشان داد که سن نخستین قاعدگی در دختران چاق ۰/۹ سال کمتر از دختران نرمال بود. یعنی دختران چاق در ۱۱/۵ سالگی و دختران نرمال در سن ۱۲/۴ سالگی اولین قاعدگی خود را تجربه کردند» (همان: ۴۳۱-۴۳۲).

در رساله کارشناسی ارشد گیتی مهدوی‌فر به سال ۱۳۷۲، بر روی ۳۰۰ دانش‌آموز دختر دبیرستانی شهری و روستایی در شهرستان‌های آمل و همدان تحقیقی صورت گرفته و تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی مناطق شهری و روستایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در این پژوهش متغیرهایی چون اندازه خانوار، وضعیت سکونت، پایگاه اجتماعی والدین، چگونگی رابطه والدین با یکدیگر و اعتقادات مذهبی خانواده، تنبیه، تبعیض، مسئولیت‌پذیری و مسائل بهداشتی آزمون شده‌اند. نتیجه این تحقیق نشان داده که نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی بارزتر از نقش عوامل دیگری همچون جغرافیا است.

پژوهش دیگری در سال ۱۳۷۷ به وسیله پروین سوادیان در ۶ روستای تالش و گیلک در شمال ایران صورت گرفته که رساله کارشناسی ارشد اوست. در این پژوهش متغیرهایی چون تأثیر محیط سکونت بر سن بلوغ و رابطه بین تحصیلات مادران و سن بلوغ مورد آزمون قرار گرفته و نتیجه تحقیق نشان داده که اختلاف معناداری بین محل سکونت و سن بلوغ در هیچ‌یک از دو منطقه مورد مطالعه وجود ندارد. همچنین تحصیلات مادران نیز بر سن بلوغ چندان مؤثر

نبوده است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی عناصر فرهنگی مربوط به بلوغ در دو اجتماع متفاوت و مقایسه آن‌ها با یکدیگر بوده است.

مینیژه کلانتری در رساله کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۰، به بررسی علل غیبت دختران دانش‌آموز سال دوم دبیرستان پرداخته است. نتیجه این تحقیق نیز نشان می‌دهد که در میان علل غیبت دانش‌آموزان ظهور قاعدگی اصلی‌ترین عامل غیبت بوده است. یعنی فرایند بلوغ نوعی سرپیچی در نظم مدرسه و اطاعت را به همراه داشته است.

چارچوب نظری

به اعتقاد روث بندیکت هر جامعه ناآگاهانه تعداد معدودی از ویژگی‌های شخصیتی خاص خود را، که جزء آرمان‌های فرهنگی تلقی می‌کند، از میان طیف بزرگی از استعداد‌های انسانی انتخاب می‌کند. این آرمان‌ها، به تدریج، به وسیله افراد آن جامعه درونی می‌شوند. در نتیجه در رفتار و نحوه تفکر آن‌ها شباهت کلی ایجاد می‌شود. یا به عبارت دیگر دارای الگوی شخصیتی گروهی می‌شوند.

چارچوب نظری این پژوهش را دیدگاه فرهنگ و شخصیت تشکیل می‌دهد. در این دیدگاه تأثیر روانی و جنبه‌های رفتاری گروهی در شکل‌گیری شخصیت فرد مورد تأکید است.

مارگارت مید دریافت که ساکنان جزیره ساموا یک دوره گذار کوتاه‌مدت از کودکی به بلوغ دارند. او در کتاب مشهور خود نتیجه گرفت که بلوغ ضرورتاً دوره فشار روانی نیست، بلکه شرایط فرهنگی آن را چنین می‌نمایاند. او در مطالعات مردم‌نگاری بعدی استدلال کرد که نقش‌های جنسی و ویژگی‌های شخصیتی از راه‌های زیست‌شناختی شکل نمی‌گیرد، زیرا دارای انعطاف‌پذیری فوق‌العاده‌ای هستند. در واقع می‌توان گفت که جامعه‌پذیری در این امر دخیل است. بنابراین در جامعه‌ای از گینه جدید مردان کمتر پرخاش‌گرند و بیشتر از زنان در پرورش کودکان دخیل هستند، حال آن‌که در جامعه دیگری چنین نیست.

نکته جالب در تحقیقات مارگارت مید این است که آن‌چه در دنیای غرب به عنوان طبیعت انسان شناخته می‌شود عمدتاً ساخته فرهنگ است. او اشاره می‌کند که ورود انسان به بزرگسالی (دوران بلوغ) در همه جای دنیا همراه با استرس و اضطراب نیست. از آن‌جا که رفتارها و ارزش‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است، بنابراین تجربه بزرگسالی (بلوغ) نیز در فرهنگ‌های گوناگون می‌تواند متفاوت باشد.

اما باید به این موضوع هم توجه داشت که «مطالعات مارگارت مید به علت زمینه‌کلیشه‌ای و

نادیده گرفتن تغییرپذیری‌ها در جوامع مورد مطالعه مورد انتقاد فریمن قرار گرفته است» (فرخ‌نیا، ۱۳۸۳).

بلوغ در فولکلور مردم اراک

«ون ژنب^۱ فولکلور را مجموعه‌ای از باورها و آداب و رسوم عامه می‌داند که با موازین علمی و منطق جامعه انطباق ندارند و انجام آن‌ها صرفاً برحسب عادت، تقلید و سرگرمی صورت می‌گیرد. مانند مراسم تولد، ازدواج، مرگ و میر، آداب خوراک و پوشاک در جشن‌ها و...» (روح‌الامینی، ۱۳۶۵: ۸۰).

در شهر اراک (در دو منطقه فوتبال و عباس‌آباد) فولکلورهای زیادی در خصوص بلوغ وجود دارد که در این‌جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. به عنوان مثال، هنگامی که دختری تازه به بلوغ رسیده باشد، اولین فردی که خبر بلوغ را از دختر دریافت می‌کند حق دارد به دختر سیلی بزند. البته انجام دادن این کار توأم با اجبار نیست که حتماً سیلی زده شود. در باور این مردم این سیلی زدن باعث سرخ شدن صورت دختر می‌شود و او را زیبا جلوه می‌دهد! سایر فولکلورهای این منطقه عبارتند از:

— اگر دختری تازه بالغ شده باشد و به بینی خود دست بزند، بینی‌اش بزرگ خواهد شد!
— در نظر مردم اراک جن و شیاطین اخلاق دختری را که بالغ می‌شود عوض می‌کنند! یعنی اخلاق خوب او را بد می‌کنند. اما اگر بد اخلاق باشد بلوغ باعث خوش اخلاقی او می‌گردد. این نکته را مهم‌ترین دلیل تغییر رفتار در دختران نوجوان می‌دانند.

— اگر دختری بعد از ازدواج به مرحله بلوغ جنسی برسد، معنی آن این است که او پاکدامن وارد خانه شوهر شده، لذا خیر و برکت با خود به همراه دارد. این باور به این معناست که دختران ظرفیت سازگاری مطابق میل شوهر خود را دارند و به راحتی فرهنگ‌پذیر و جامعه‌پذیر می‌شوند. این باور همچنین نشان می‌دهد که ازدواج قبل از رسیدن به سن بلوغ در میان آن‌ها متداول بوده است.

— در میان مسلمانان، چون دختران در سن ۹ سالگی به سن تکلیف می‌رسند، می‌توانند طبق سنت دینی ازدواج کنند.

— عده‌ای نیز بر این باورند که دختر در هر سنی که ازدواج کند رشد جسمی او نیز متوقف می‌شود، لذا ترجیح می‌دهند دخترانشان دیرتر بالغ شوند تا رشد جسمی آن‌ها متوقف نشود.

— به هنگام غذا پختن، دختر یا زنی که در دوران قاعدگی است نباید به آشپزخانه وارد شود، زیرا کیفیت غذا مطلوب نخواهد شد.

— زن یا دختر در دوران قاعدگی نباید به خمیر نان دست بزند زیرا خیر و برکت از خانه خارج می‌شود. این طرز تلقی ریشه در تابوی دوران قاعدگی زن دارد که به علت عدم آگاهی از بیولوژی زن شکل گرفته است.

— دختری که شانس ازدواج نداشته باشد، خانواده وی هفت دختر تازه به سن بلوغ رسیده را دعوت می‌کند تا آش پبزند و با هم بخورند. این باور، نوعی باور به جادوی تقلیدی^۱ است که از قدیم بقایای آن به صورت رسم در زندگی باقی مانده است.

— این‌گونه باورهای عامیانه و مشابه آن‌ها در بین هر دو اجتماع شهر اراک که مورد مطالعه پژوهشگران بود وجود داشت.

تحلیل داده‌های پژوهش

الف) بررسی تأثیر منبع آگاهی نوجوانان از بلوغ بر فرایند بلوغ

افراد تحت بررسی این پژوهش از نظر آگاهی نسبت به پدیده بلوغ به ۳ دسته تقسیم می‌شدند.

۱. دسته‌ای که هیچ‌گونه اطلاعی از پدیده بلوغ نداشتند و از هیچ منبع یا افرادی کسب آگاهی نکردند. از مجموع ۱۷۵ نفر دختران مدرسه راهنمایی در هر دو منطقه (فوتبال و عباس‌آباد) که مورد مصاحبه قرار گرفته بودند، تعداد ۳۵ نفر اظهار کردند که کوچک‌ترین اطلاعی از بلوغ ندارند، اما از مجموع ۱۷۵ نفر دختران دبیرستانی تنها ۷ نفر ادعا کردند که کاملاً از پدیده بلوغ بی‌اطلاع بوده‌اند.

۲. دسته دوم دخترانی بودند که آگاهی نسبی از پدیده بلوغ داشتند. منبع اطلاعات و آگاهی آن‌ها حرف‌های سرپوشیده زنان بالغ بوده است. معمولاً در میان خانواده‌های سنتی ایران مرسوم است که زنان بالغ از مسایل بلوغ دختران و روابط جنسی پیش جوانان سخنی به میان نیاورند، به گونه‌ای که مادران قاعدگی خود را از دخترانشان پنهان نگه می‌دارند.

۳. دسته سوم افرادی بودند که اطلاعات کامل‌تر و روشن‌تری از پدیده بلوغ داشتند. البته

۱. انسان ابتدایی باور داشت که برای ایجاد پدیده‌های مهم طبیعی مانند بارش باران و برف یا وزش باد و غیره، که زندگی او بدان‌ها بستگی داشت کافی بود از آن‌ها تقلید نماید. برای مثال، اگر او می‌خواست باران ببارد با کاسه‌ای آب بر روی اشیاء یا انسان‌ها از بالا به پایین می‌ریختند، تا آسمان نیز از آن‌ها تقلید کند، لذا آن را جادوی تقلیدی یا تشابه می‌گویند.

منبع اطلاعات آن‌ها نیز کتب دوره دبیرستان خودشان بوده است. نتیجه تأثیر منبع آگاهی نوجوانان از پدیده بلوغ در دو منطقه مورد مطالعه در شهر اراک به گونه‌ای بود که دسته اول در برخورد با بلوغ دچار ترس و اضطراب و ناراحتی می‌شدند. اما گروه دوم در اولین برخورد با مسئله احساس گناه و تقصیر می‌کردند که در نتیجه دچار مشکل روحی و روانی شده بودند.

اما دسته سوم که اطلاعات نسبتاً بیشتری از فرایند بلوغ کسب کرده بودند با رضایت خاطر بلوغ را پذیرفته بودند و آن را یک ویژگی صرفاً زیستی زنان تلقی می‌کردند و در پذیرش آن بردبار بودند.

جدول شماره ۱. منبع آگاهی نوجوانان از پدیده بلوغ

عباس‌آباد		فوتبال		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	منبع آگاهی
۷۳/۱	۱۲۸	۵۲	۹۱	خواهر و مادر
۱۹/۴	۳۴	۴۱/۱	۷۲	دوستان و فامیل
۵/۷	۱۰	۲/۹	۵	معلمان
۱/۸	۳	۴	۷	موارد دیگر
۱۰۰	۱۷۵	۱۰۰	۱۷۵	جمع

یافته‌های این جدول نشان می‌دهد که نقش مادر، خواهر و سپس دوستان و همسایگان در هر دو منطقه در دادن آگاهی نسبت به پدیده بلوغ در مقایسه با منابع دیگر مؤثرتر است. البته در منطقه فوتبال، گروه دوستان منبع خوبی برای دادن آگاهی بوده‌اند. این شرایط نشان می‌دهد که روابط بین دختر و مادر، و دختر و خواهرانش در منطقه عباس‌آباد صمیمانه‌تر از منطقه فوتبال بوده است.

ب) تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بر احساسات ناشی از بلوغ

دو اجتماع مورد مطالعه این پژوهش به لحاظ اقتصادی و اجتماعی دارای تفاوت‌هایی هستند. تفاوت فرهنگی آن‌ها را می‌توان در احساسات ناشی از بلوغ هم مشاهده کرد.

نمودارهای ۱ و ۲ نشان می‌دهد که ۹۰٪ از دختران منطقه عباس‌آباد هنگام مواجهه با بلوغ دچار اضطراب و نگرانی توأم با ترس بودند، ۷٪ احساسی نداشتند و ۳٪ نیز احساس غرور و خوشحالی می‌کردند. اما در منطقه فوتبال ۹۴٪ از دختران دچار استرس و اضطراب بودند، ۵٪

نسبت به آن احساسی نداشتند و ۱٪ خوشحال بودند و احساس غرور می‌کردند. به عبارت دیگر، این متغیر نشان می‌دهد که تفاوت فرهنگ و روش زندگی این دو اجتماع سبب شده تا جوانان آن‌ها از نظر احساسات روانی (اضطراب و ترس) نسبت به پدیده یکسان بلوغ واکنش متفاوت نشان دهند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در هر منطقه‌کی دو محاسبه شده (با درجه آزادی ۲ و احتمال خطا ۰.۵٪) معنادار می‌باشد. لذا بین دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد.

$P < 0.5$ و $X^2 = 278/5$ فوتبال و $P < 0.5$ و $X^2 = 255/87$ عباس آباد



نمودار ۱: احساسات دختران درباره بلوغ در منطقه عباس آباد (درصد)



نمودار ۲: احساسات دختران درباره بلوغ در منطقه فوتبال (به درصد)

ب) رابطه سن بلوغ مادران با سن بلوغ دخترانشان

مطابق داده‌های جداول ۲ و ۳ می‌توان گفت که در هر دو منطقه مورد مطالعه میانگین سن بلوغ در دختران زودتر از سن بلوغ مادرانشان بوده است. این تغییر و رشد در نسل جوان‌تر محصول بهبود کیفیت تغذیه، رفاه و سطح بهداشت است. ضمناً میانگین سن بلوغ مادران در منطقه عباس‌آباد ۱۲/۴۲ سال و میانگین سن بلوغ مادران در منطقه فوتبال ۱۲/۴۵ سال می‌باشد. اختلاف سن بلوغ مادران با دخترانشان در منطقه عباس‌آباد ۰/۵۳ و در منطقه فوتبال ۰/۶۸ می‌باشد.

جدول شماره ۲. سن بلوغ دختران در دو منطقه مورد مطالعه

منطقه عباس‌آباد					منطقه فوتبال					اجتماعات مورد مطالعه	
Fxi _۲	Xi _۲	Fix	Fc	Fi	Fxi _۲	Xi _۲	Fix	Fc	Fi	Xi	سن بلوغ
۶۰۰	۱۰۰	۶۰	۶	۶	۸۰۰	۱۰۰	۸۰	۸	۸	۱۰	۱۰
۶۶۵۵	۱۲۱	۶۰۵	۶۱	۵۵	۷۰۱۸	۱۲۱	۶۳۸	۶۶	۵۸	۱۱	۱۱
۱۰۰۸۰	۱۴۴	۸۴۰	۱۳۱	۷۰	۱۱۰۸۸	۱۴۴	۹۲۴	۱۴۳	۷۷	۱۲	۱۲
۶۷۶۰	۱۶۹	۵۲۰	۱۷۱	۴۰	۱۹۰۱	۱۶۹	۳۷۷	۱۷۲	۲۹	۱۳	۱۳
۷۸۴	۱۹۶	۵۶	۱۷۵	۴	۵۵۸	۱۹۶	۷۲	۱۷۵	۳	۱۴	۱۴
۲۴۸۷۹		۲۰۸۱		۱۷۵	۲۴۳۹۵		۲۰۶۱		۱۷۵		
منطقه عباس‌آباد					منطقه فوتبال						
انحراف معیار			میانگین		انحراف معیار			میانگین			
٪۸۳			۱۱/۸۹		٪۸۷			۱۱/۷۷			

ث) تأثیر تغذیه بر سن بلوغ

نوع تغذیه این دو اجتماع مورد مطالعه تا حدودی از نظر کیفیت متفاوت است. به طوری که در منطقه فوتبال غذاهای نشاسته‌ای و قندی بیشتر و مواد پروتئینی کمتر مصرف می‌شوند، ولی در منطقه عباس‌آباد مصرف مواد پروتئینی به نسبت مواد قندی و نشاسته‌ای بیشتر است. اما مصرف مواد لبنی در هر دو اجتماع کمتر از استاندارد جهانی است.

جدول شماره ۳. سن بلوغ مادران دختران در دو منطقه مورد مطالعه

منطقه عباس آباد					منطقه فوتبال					اجتماعات مورد مطالعه	
Fxi۲	Xi۲	Fix	Fc	Fi	Fxi۲	Xi۲	Fix	Fc	Fi	Xi	سن بلوغ
۲۰۰	۱۰۰	۲۰	۲	۲	۴۰۰	۱۰۰	۴۰	۴	۴	۱۰	۱۰
۴۳۵۶	۱۲۱	۳۹۶	۳۸	۳۶	۳۳۸۸	۱۲۱	۳۰۸	۳۲	۲۸	۱۱	۱۱
۷۲۰۰	۱۴۴	۶۰۰	۸۸	۵۰	۷۷۷۶	۱۴۴	۶۴۸	۸۶	۵۴	۱۲	۱۲
۹۹۷۱	۱۶۹	۷۶۷	۱۴۷	۵۹	۱۰۴۷۸	۱۶۹	۸۰۶	۱۴۸	۶۲	۱۳	۱۳
۵۴۸۸	۱۹۶	۳۲۹	۱۷۵	۲۸	۵۲۹۲	۱۹۶	۳۷۸	۱۷۵	۲۷	۱۴	۱۴
۲۷۲۱۵	-	۲۱۷۵	-	۱۷۵	۲۷۳۳۴	-	۲۱۸۰	-	۱۷۵		
منطقه عباس آباد					منطقه فوتبال						
انحراف معیار		میانگین			انحراف معیار		میانگین				
۱/۰۲		۱۲/۴۲			۱/۰۰۷		۱۲/۴۵				

ت) تأثیر گروه‌های خونی بر سن بلوغ دختران در این قسمت چهار گروه خونی اصلی O, AB, B, A بین جامعه آماری ۳۵۰ نفر در منطقه مشخص گردید. از این تعداد در منطقه عباس آباد ۳۱/۴٪ گروه خونی A، ۳/۴٪ گروه خونی B، ۲/۹٪ گروه خونی AB و ۶۲/۳٪ گروه خونی O را تشکیل می‌دادند. اما در منطقه فوتبال ۲۷/۵٪ گروه خونی A، ۷/۴٪ گروه خونی B، ۴/۶٪ گروه خونی AB و ۶۰/۶٪ گروه خونی O را داشتند.

جدول شماره ۴. تأثیر گروه‌های خونی بر بلوغ

عباس آباد					فوتبال					منطقه
جمع	O	AB	B	A	جمع	O	AB	B	A	سن بلوغ گروه خونی
۶	۳	۱	۱	۱	۸	۴	۱	۱	۲	۱۰
۵۵	۳۹	۰	۱	۱۵	۵۸	۳۹	۲	۳	۱۴	۱۱
۷۰	۳۸	۲	۳	۲۷	۷۷	۴۲	۴	۷	۲۴	۱۲
۴۰	۲۷	۱	۱	۱۱	۳۹	۱۹	۱	۱	۸	۱۳
۴	۲	۱	۰	۱	۳	۲	۰	۱	۰	۱۴
۱۷۵	۱۰۹	۵	۶	۵۵	۱۷۵	۱۰۶	۸	۱۳	۴۸	جمع

داده‌های گردآوری شده نشان می‌دهد که تفاوت غذای مصرفی در این دو منطقه بر سن بلوغ و میزان قد دختران تأثیرگذار بوده است، به طوری که میانگین سن بلوغ دختران در منطقه عباس‌آباد ۱۱/۸۹ سال و در منطقه فوتبال ۱۱/۷ سال است. اما میانگین قد در منطقه عباس‌آباد در مقطع راهنمایی ۱۵۶/۳۶ سانتی‌متر و در منطقه فوتبال ۱۵۵/۸۲ سانتی‌متر است. در مقطع دبیرستان نیز شاهد تفاوت در رابطه تغذیه با میزان قد هستیم، به طوری که در منطقه عباس‌آباد میانگین قد در مقطع دبیرستان ۱۶۰/۶ سانتی‌متر و در منطقه فوتبال ۱۶۰/۵۴ سانتی‌متر است. ضمناً در هر دو منطقه سن بلوغ دختران از میانگین سن بلوغ مادرانشان کمتر است.

ج) شرایط اجتماعی خانواده و تأثیر آن بر سن بلوغ

این سؤال با میزان سواد والدین در منطقه مورد مطالعه سنجیده شد. متغیر تحصیلات به پنج دسته بی‌سواد، تحصیلات ابتدایی، زیر دیپلم، دیپلم و تحصیلات دانشگاهی تقسیم گردید. داده‌های به دست آمده در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد اگرچه در منطقه عباس‌آباد سطح تحصیلات والدین بیشتر از منطقه فوتبال است، اما بین سطح تحصیلات والدین و سن بلوغ ارتباط معناداری یافت نشد.

جدول شماره ۵. رابطه وضعیت تحصیلی والدین دختران و بلوغ در دو منطقه مورد مطالعه

منطقه		فوتبال					عباس‌آباد						
سن بلوغ	سطح سواد	بیسواد	ابتدایی	زیر دیپلم	دیپلم	دانشگاهی	جمع	بیسواد	ابتدایی	زیر دیپلم	دیپلم	دانشگاهی	جمع
۱۰	۳	۰	۲	۱	۰	۰	۸	۰	۱	۱	۱	۳	۶
۱۱	۳	۰	۱۹	۱۱	۲۲	۳	۵۸	۰	۰	۳	۱۰	۴۲	۵۵
۱۲	۵	۰	۱۷	۳۴	۱۸	۳	۷۷	۰	۱	۶	۱۵	۴۸	۷۰
۱۳	۲	۰	۸	۱۰	۸	۱	۲۹	۰	۲	۳	۱۲	۲۳	۴۰
۱۴	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۳	۰	۰	۱	۱	۲	۴
جمع	۱۴	۰	۴۷	۵۷	۵۰	۷	۱۷۵	۰	۴	۳۹	۳۹	۱۱۸	۱۷۵
درصد	۸	۰	۲۶/۱۸	۳۲/۶	۲۸/۶	۴	۱۰۰	۰	۲/۲	۲۲/۳	۲۲/۳	۶۷/۵	۱۰۰

چ) تأثیر نگرش فرهنگ بومی بر سن بلوغ

در حوزه مورد مطالعه این پژوهش افراد به‌طور کلی نسبت به دوران قاعدگی نگرش منفی دارند و اغلب این نگرش از سوی مادر به دختر منتقل می‌شود. برخی از خانواده‌ها آن را نوعی بلا عنوان می‌کنند (شاید به دلیل ناراحتی جسمی و تشویشی باشد که همراه آن است).

این برداشت از بلوغ باعث شده تا گاهی دختران جرئت اطلاع دادن ظاهر شدن علایم بلوغ خود را نداشته باشند، زیرا با برجسب بی حیا و بی شرم مواجه می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهند که در هر دو منطقه این پژوهش، با توجه به میزان آگاهی از مسئله بلوغ در بین دختران، واکنش‌های متفاوت مشاهده می‌شود. در هر دو اجتماع دختران در سنین ۱۶ سالگی و بالاتر احساس سازگاری نسبت به مسئله بلوغ دارند و آن را کاملاً عادی و طبیعی می‌دانند. اما دسته‌ای که با شروع بلوغ احساس بلوغ و خوشحالی می‌کنند استدلالشان این است که این نشانه سلامت جسمانی آن‌هاست و در نتیجه آن‌ها دارای توانایی زنانگی هستند. اما گروهی که اکثریت را تشکیل می‌دهند دچار ترس و اضطراب و نگرانی می‌شوند و معتقدند اگر والدین آن‌ها از بلوغ‌شان مطلع گردند محدودیت‌های رفتاری در موردشان اعمال خواهند کرد، یا احتمالاً از آن‌ها می‌خواهند برای ازدواج آماده شوند. بنابراین این گروه سعی می‌کنند بلوغ خود را مخفی نگه دارند. در نتیجه این رفتار باعث ترس و اضطراب در آن‌ها می‌شود. به‌طور کلی، در جامعه سنتی ایرانی صحبت از قاعدگی بین مادر و دختر نوعی تابو به شمار می‌رود. حتی ممکن است علایم ثانویه بلوغ جنسی برای مادر و دختر محرز گردد، ولی مادر به بهانه حفظ حرمت و حیا و رعایت حریم دختر و مادر کوشش می‌کند در این باره با دخترش حرفی نزند.

در جامعه آماری این تحقیق، مادرانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند تصور منفی از پدیده بلوغ دخترانشان داشتند. البته انکار نمی‌کردند که این مرحله یک فرایند طبیعی است، اما معتقد بودند با آغاز مرحله بلوغ دختر نیاز به کنترل و مراقبت بیشتر والدین دارد. برخی ادعا می‌کردند فرایند قاعدگی، مانند زایمان، نوعی بدبختی و محنت را برای زن در پی دارد. به تعبیر نیچه زنان در پس همه خودپسندی شخصی خود، باز هم تحقیری غیرشخصی برای نوع زن قایلند.

البته در کنار این نگرش منفی، خانواده‌های این دختران تقویت، تغذیه و استراحت بیشتر را تجویز می‌کردند و آغاز مرحله بلوغ را باعث بالا رفتن احترام به دختر در خانواده می‌دانستند. نکته قابل توجه این‌که در منطقه عباس‌آباد محدودیت‌ها و سخت‌گیری بیشتر در مورد دختران بالغ اعمال می‌شود تا منطقه فوتبال.

ح) تأثیر اندازه خانوار بر سن بلوغ

در آزمون این متغیر معلوم شد که دختران خانواده‌های کم جمعیت دیرتر به سن بلوغ می‌رسند و برعکس در خانواده‌های پرجمعیت دختران زودتر به سن بلوغ می‌رسند. در جامعه آماری این تحقیق در منطقه عباس‌آباد ۱/۷۳٪ از مردم دارای خانوار ۳ تا ۴ نفر و ۲۲/۹٪ نیز ۵ تا ۶ نفر و ۴٪

نیز ۷ نفر و بیشتر بوده‌اند. ولی در منطقه فوتبال ۸٪ از خانواده‌ها را ۳ تا ۴ نفره، ۴٪/۶۸ تا ۵ تا ۶ نفره و ۴٪/۲۳ نیز ۷ نفره و بیشتر تشکیل می‌دادند. بنابراین اندازه خانواده بر سن بلوغ تأثیرگذار است. دلیل آن کیفیت بهتر تغذیه در منطقه عباس‌آباد می‌باشد. زیرا مصرف مواد پروتئینی در عباس‌آباد بیشتر از منطقه فوتبال است و به‌عکس مصرف مواد قندی و نشاسته‌ای در منطقه فوتبال بیشتر از عباس‌آباد است.

جدول شماره ۶. تأثیر اندازه خانوار بر سن بلوغ دختران در دو منطقه مورد مطالعه

عباس‌آباد		فوتبال		منطقه
درصد	تعداد	درصد	تعداد	بعد خانوار
۷۳٪	۱۲۸	۸٪	۱۴	۳-۴ نفره
۲۳٪	۴۰	۶۸٪	۱۲۰	۵-۶ نفره
۴٪	۷	۲۴٪	۴۱	۷ و بیشتر
۱۰۰	۱۷۵	۱۰۰	۱۷۵	جمع

جدول شماره ۷. تأثیر میزان فعالیت جسمانی دختران بر سن بلوغ آن‌ها در دو منطقه مورد مطالعه

عباس‌آباد				فوتبال				منطقه	
جمع	زیاد	متوسط	کم	جمع	زیاد	متوسط	کم	فعالیت	سن بلوغ جسمی
۶	۱	۱	۰	۸	۲	۲	۳		۱۰
۵۵	۳	۰	۰	۵۸	۱۱	۱۹	۳		۱۱
۷۰	۶	۱	۰	۷۷	۳۴	۱۷	۵		۱۲
۴۰	۳	۲	۰	۲۹	۱۰	۸	۲		۱۳
۴	۱	۰	۰	۳	۰	۱	۱		۱۴
۱۷۵	۳۹	۴	۰	۱۷۵	۵۷	۴۷	۱۴		جمع
۱۰۰	۲۲/۳	۲/۲	۰	۱۰۰	۳۲/۶	۲۶/۸	۸		درصد

$$X^2 = ۶۰/۳۱$$

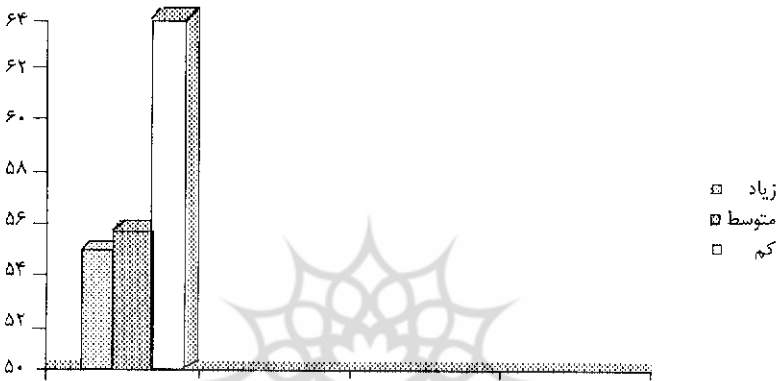
$$\alpha = ۰/۰۵ \text{ (سطح خطا)}$$

$$X^2 = ۳۹/۵۳$$

$$\alpha = ۰/۰۵ \text{ (سطح خطا)}$$

خ) تأثیر فعالیت‌های جسمانی دختران بر سن بلوغ آن‌ها

جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که فعالیت جسمانی بیشتر باعث دیررسی سن بلوغ دختران می‌شود. در منطقه فوتبال به دلیل رفاه و آسایش کمتر نسبت به منطقه عباس‌آباد فعالیت جسمی دختران نوجوان بیشتر است، زیرا آن‌ها امکاناتی مانند جاروبرقی، ماشین لباس‌شویی و غیره کمتر دارند. لذا بلوغ آن‌ها دیررس‌تر می‌باشد.



نمودار ۳: فعالیت جسمانی دختران در منطقه عباس‌آباد (فراوانی)



نمودار ۴: فعالیت جسمانی دختران در منطقه فوتبال (فراوانی)

نتیجه‌گیری

نتیجه این پژوهش نشان داد که حالات ناشی از فرایند بلوغ هم ریشه در عوامل فرهنگی و هم عوامل زیستی دارد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در هر دو اجتماع تحت مطالعه، آشنایی نوجوانان با بلوغ و حالات همراه آن موجب می‌شود تا افراد راحت‌تر با آن سازگار شوند. تفاوت‌های این دو اجتماع در دادن آگاهی و شناخت متفاوت از بلوغ به جوانان نشان داد که هرچه جوان شناخت و آگاهی بیشتری از بلوغ داشته باشد، اضطراب و ترس نیز در او کمتر می‌شود. ضمناً یافته‌های تحقیق می‌گوید که عواملی چون بهبود کیفیت تغذیه، ارتقا، سطح رفاه، فعالیت‌های جسمی بیشتر، اندازه خانوار بر فرایند بلوغ تأثیر دارند. داده‌های گردآوری شده در هر دو منطقه شهر اراک (فوتبال و عباس‌آباد) نشان می‌دهد که سن بلوغ دختران نسبت به سن بلوغ مادرانشان کاهش یافته است. البته در این پژوهش متغیرهایی چون گروه‌های خونی چهارگانه، میزان سواد والدین و میزان درآمد خانواده بر سن بلوغ تأثیر نداشتند.

نکته قابل توجه در یافته‌های این پژوهش وجود نگرش منفی نسبت به فرایند بلوغ دختران در بین خانواده‌ها به‌ویژه مادران و حتی خود دخترانی است که به سن بلوغ می‌رسند. حدود ۹۲/۵٪ از دختران به سن بلوغ رسیده جامعه آماری این تحقیق فرایند بلوغ را منفی تلقی کرده‌اند.

منابع

- احمدی، سید احمد ۱۳۶۹، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، تهران، رودکی و مشعل.
- اودلوم، موریس ۱۳۵۴، سیری در بلوغ، ترجمه کاظم اسلامی و محمود ریاضی، تهران، توسن.
- بی‌تس د.ک و پلاگ ف ۱۳۷۵، انسان‌شناسی فرهنگی ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- تقی‌زاده، پری ۱۳۷۰، بررسی عقاید و واکنش‌های دانش‌آموزان دختر دوره‌های مختلف راهنمایی تهران در مورد قاعدگی و برخورد والدین (مادر) آن‌ها نسبت به این مسئله، کارشناسی ارشد (پرستاری) دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشکده پرستاری و مامایی.
- روح‌الامینی، محمود ۱۳۶۵، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران، عطار.
- سالاری، پروین ۱۳۷۲، بررسی تأثیر آموزش بر روند قاعدگی دختران و دانش‌آموزان مبتلا به قاعدگی دردناک اولیه در دبیرستان‌های دولتی شهر مشهد.
- سوادیان، پروین ۱۳۷۸، علوم فرهنگی و زیستی مؤثر بر بلوغ دختران و مطالعه مقایسه‌ای در دو منطقه تالش و گیلک. رساله فوق‌لیسانس (مردم‌شناسی) دانشکده علوم اجتماعی: دانشگاه تهران.
- سهرابی، ثریا ۱۳۷۶، «بررسی آگاهی و نگرش رفتارهای بهداشتی دختران دانش‌آموز در دوران بلوغ»، بهداشت جهان، دانشگاه علوم پزشکی ایران، سال سیزدهم، شماره اول، تهران.
- سیاح، منیژه ۱۳۷۲، فیزیولوژی بلوغ، خلاصه مقالات یازدهمین کنگره فیزیولوژی و فارماکولوژی ایران، دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

- شرفی، محمدرضا ۱۳۷۶. *دنیای جوانی*، کندوکاو در بازشناسی و روحیات ۱۳-۱۸ ساله‌ها، انتشارات تربیت تهران، تربیت.
- شفیع آبادی، عبدا... ۱۳۷۳، *مبانی روان‌شناسی رشد*، تهران، انتشارات شرکت سهامی سپهر.
- عسکری خانقاه، اصغر و کمالی، محمدشریف (۱۳۷۸)، *انسان‌شناسی عمومی*، تهران، انتشارات سمت.
- فرخ‌نیا، رحیم، ۱۳۸۲، *نظریه‌های مردم‌شناسی*، انتشارات اراک.
- فرخ‌نیا، رحیم ۱۳۸۳، *مقدمه‌ای بر مردم‌شناسی*، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی‌سینا، چاپ سوم.
- قائمی، علی ۱۳۷۰. *دنیای نوجوانی دختران*، انتشارات امیری، تهران.
- کلاین‌برک، اتو ۱۳۶۸، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه علی‌محمد کاردان، جلد ۱ و ۲ تهران، انتشارات اندیشه.
- کارباینو، مروین ۱۳۷۷، *نظریه‌های مردم‌شناسی*، ترجمه عباس محمدی اصل، تهران، انتشارات آوای نور.
- کریمی، افتخار ۱۳۷۲، *بررسی نگرش مادران نسبت به آموزش مسایل دوران بلوغ دختران دوره راهنمایی در شهر تهران*، رساله کارشناسی ارشد (مدیریت بهداشت) دانشگاه علوم پزشکی ایران دانشکده پرستاری و مامایی.
- گیدنز، آنتونی ۱۳۷۷، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- لاهیجی، شهلا و کار، مهرانگیز ۱۳۷۷، *شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش تاریخ و تاریخ*، تهران: انتشارات روشنگران.
- مهدوی‌فر، گیتی ۱۳۷۲، *بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سن بلوغ دختران در جوامع شهری و روستایی آمل و همدان*، رساله فوق‌لیسانس (مردم‌شناسی) تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز (دانشکده علوم انسانی).
- مید، مارگارت ۱۳۶۵. *بلوغ در ساموا، پژوهشی در مردم‌شناسی*، ترجمه مهین میلانی، تهران، ویس.
- ناظم، فرزاد ۱۳۷۶، *بلوغ بیولوژیک و فعالیت بدنی*، خلاصه مقالات اولین همایش علمی و کاربردی بسط و توسعه ورزش در بین جوانان، رشت.
- نوابی، شکوه (۱۳۷۶)، *رابطه ورزش با سلامت روان دختر*، خلاصه مقالات اولین همایش علمی، کاربردی بسط و توسعه ورزش در بین جوانان، رشت.
- Attallah, N.L and others, (1985), "Age at menarch of school girls in Khanoum". *Annals of Human Biology*, vol 19, No. 2.
- Ayathollahi, S.M.T.E. Dowlatabdi, S.A.A.A., (1999), "Age at menarch and its correlates in Shiraz, southern Iran", *International Journal of Medicine Science*, 24.
- Bates, D.G. and Plog, F. (1995), *Cultural Anthoropology*. McGraw-Hill Publishing company. [Translated to Farsi by M. Solassi]
- Beals, and Hoijier, H. (1997), *An Introduction to Anthoropology*, 5th ed. Macmillan publishing Co., Inc. New York.
- Ducors, Jacqueline and Albert, (1987), "Age at menarch in Tahiti". *Annals of human biology*, 1987, Vol. 14, No. G.

- Facag, O. (1985), "The relationship between Age, Physical Measurements and Body Composition, *International gynaecol*, Obster.
- Gonzales, GF, Villena, A, (1996) "Ubillaz. M: Age at Menarch in Peruvian Girls at Sea Level and at high attitude: Effect of ethnic background and socioeconomic status". *American Journal of Human Biology*, Vol. 8, Iss, 4.
- Graber, Julia, (1993), "A Stressful Life Events", *Child Development*, vol 66. N2.
- Hoebel, E.D. and Frost, E.L., (1977), *Cultural and Social Anthropology*, McGraw-Hill publishing company limited, New Delhi.
- Koff, Elissa and others, (1982). "Memories of menarch Age, preparation, and Prior Knowledge as Determinants of Initial Menstrual Experience", *Journal of Youth and Adolescence*, V11, N, 1.
- Laskamirzeyewska, T. (1983), "Age at Menarche as Indicator of the Socioeconomic Situation of Rural Girls in Poland in 1977, and 1987". *American Journal of Human Biology*, 1995, Vol, 7, Iss 5.
- Manniche, E. (1983), Age menarch: Nicola Edward ravns dataon 3385 women in mid 19th century Denmark. *Annals of human biology*, Vol 10. Noi. 1.
- Mead, Margaret, (1977), *Coming of Age in Samoa*, Published by Penguin Books.
- Ohaswa. S., J.C. Kasai, N. (1997), "Age at Menarch and Comparison of Growth and Performance of Pre-and Post-menarcheal Girl in China, *American Journal of Human Biology*, Vol 9, Iss. 2.
- Sharam, K.L. talwar and Sharma. N., (1998), "Age at Menarche in Relation to Adult Body Size and Physique", *Annals of Human Biology*, Vol. 15 N.6.